

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

سه شنبه ۰۱ مارچ ۲۰۲۲

بنياد حق

## شهادت های وحشتناک

بر علیه جنایتکار جنگی مقیم شهر کرکراده (هالند)

در کشتارگاه افغانستان

روزنامه دی لیمبورخر

ژورنالیست: کلیر فان دایک

جنایتکار جنگی افغان عبدالرزاق (ع)(عریف)، سال ها بدون مزاحمت در شهر کرکراده (هالند) زندگی می کرد. بیش از سی سال پس از ارتکاب اعمال توأم با وحشت در زندان پلچرخ، او به دلیل شرایط ظالمانه و مغایر کرامت انسانی تحت رهبری اش، اکنون محاکمه می شود.

عبدالودود در دهه ۱۹۸۰م به دلیل فعالیت های سیاسی در زندان پلچرخ، معروف به "کشتارگاه" زندانی شد و اکنون در انگلستان زندگی می کند. او از دوستان زندانی اش خاطراتی دارد که از اسارت جان سالم به در نبردند. او در اولین روز محاکمه پنج روزه در لاهه علیه قوماندان اسبق زندان پلچرخ شهادت میدهد:

"من مجبور شدم تا یک راه بسیار طولانی را بپیمایم تا به اینجا رسیده و عدالت را ببینم. زخم های جسمانی به مرور زمان التیام می یابند اما این شکنجه روانی است که آثار تمام عمر باید با خودت حمل کنی."

خیال محال فرار از پنجه قانون جنایات جنگی با مرور زمان منقضى نمی شوند. به گفته خارنوال مؤظف مرتکبین نمیتوانند از مجازات فرار کنند: "آنها باید بدانند هر جایی که بروند یا بایستند، از پنجه قانون فرار کرده نمی توانند. حتی اگر سالها طول بکشد، به پنجه قانون سپرده خواهند شد."

طی سالیان گذشته دو دوسیه جنایی علیه جنایتکاران جنگی افغانستان در هالند منجر به محکومیت آنها به اتهام شکنجه و تعذیب گردیده و در یک مورد دیگر متهم نسبت فقدان شواهد تبرئه شده است . صدای قربانیان پس از بیش از سی سال در دادگاه ها طنین انداز شده است. شهود از جمله در موارد هولناک زیر چنین شهادت دادند:

شوک برقی، ضرب و شتم، کشیدن ناخنها و شکستادن انگشتان دست در بازجویی ها، سلول های مزدحم، شرایط بد صحتی، غذای کثیف آلوده با فضله حیوانی، فقدان آب کافی، موجودیت حشرات موزی، بیماری ها، عدم مراقبت های صحتی، جاسوسان در سلولها، کشتار و اعدام های هفته وار زندانیان سیاسی بدون طی مراحل قانونی و قضایی و بالاخره هراس دایمی از اعدام ناگهانی و کشتار های دلخواه.

در حدود ده تن از شاهدان قربانی گفتند که وقتی عبدالرزاق (ع) (عریف) مسؤلیت زندان پلچرخی را بر عهده گرفت، شرایط بدتر شد. اسم جعلی مظنون در سال ۲۰۰۱م با مدارک شناسایی دستکاری شده در هالند تقاضای پناهندگی نمود. طبق گفته خارنوال مؤظف وی با نام جعلی عبدالرزاق (ر) تابعیت هالندی را به دست آورد و تا زمان دستگیری در سال ۲۰۱۹م به دور از چشم قوه قضائیه در شهر کرکراده این کشور زندگی می کرد. او انکار می کند که او عبدالرزاق (ع) است، اگرچه مکالمات تلفونی ناشی از استراق سمع خلاف این ادعا را نشان می دهد. او می گوید که هرگز در زندان کار نکرده است، بیمار است و چیزی را به یاد نمی آورد . به گفته اداره خارنوالی شواهد کافی وجود دارد که مظنون ۷۶ ساله از سال ۱۹۸۳ الی ۱۹۹۰م رئیس امور سیاسی و قوماندان مخوف زندان پلچرخی بوده و به دلیل رفتار مغایر کرامت انسانی و ظالمانه با زندانیان سیاسی برای او مجازات ۱۲ سال زندان مطالبه شده است. در آن زمان مخالفان رژیم کمونیستی به صورت دستجمعی دستگیر شده و سال ها بدون محاکمه (عادلانیه) و تحت شرایط وحشتناک به زندان افکنده شده بودند .

### شواهد و مدارک

در مورد اینکه شرایط زندان خیلی بد و وحشتناک بود بحثی وجود ندارد.

اما سوال اینجاست که تا چه حد جنایات جنگی به وقوع پیوسته است؟

اینکه آیا عبدالرزاق (ع) قسماً یا کلاً مقصر بوده است و آیا این امر قابل اثبات است؟

وکلاهی متهم خانم ربکا هیمسکرک و آقای مارین زوکیتو می گویند که در مورد اتهامات و "حقیقت" آنچه اتفاق افتاده است، حرف و عمل هائی اند، اما اینکه این اعمال توسط چه کسی، در چه مقام و

صلاحیتی انجام شده اند، صرفاً بر اساس اظهارات شاهدان استوار است. به گفته آنها عبدالرزاق (ع) هیچ قدرت و نفوذی نداشت، نمی توانست مداخله کند، دستوراتی را که دیگران می دادند، باید اطاعت کنند، و با بازداشت یا آزادی زندانیان کاری نداشت. آنها استدلال می کنند که هیچ مدرک پزشکی قانونی (طب عدلی) یا فنی در حمایت از اظهارات ۱۸ قربانی وجود ندارد. صرفنظر از بحث هویتی و ایرادات رسمی قانونی در مورد قانونی بودن پیگرد (تعقیب) قضایی، وکلای مدافع متهم (ع) تلاش خواهند کرد تا از این موضوع منفعت اعظمی ببرند .

اداره خرنوالی با این استدلال موافق نیست. این اداره به اظهارات شاهدان داخل رژیم آنوقت و کارمندان زندان که در مورد ساختار سرویس امنیتی و موقعیت عبدالرزاق (ع) هرکدام به نوبه خود اظهاراتی داشته اند، اشاره میکند .

همچنان در گزارشهای متعدد سازمانهای حقوق بشری و گزارشگران سازمان ملل متحد اشاره شده است که تا حد زیادی بر اساس مشاهدات و بازرسی شان صورت پذیرفته است. بنابراین شهادت شهود باید در پرتو این اطلاعات مورد قضاوت قرار گیرد. اعتماد بر حافظه و خاطرات وکلای مدافع اعتبار خاطرات بیش از سی سال پیش را زیر سوال میبرند. آنها کوشش میکنند تا اظهارات شهود را غیر موجه جلوه بدهند. از منظر آنها شهادت شاهدان تناقضاتی در باره رتبه، کارکرد، اختیارات و ظواهر متهم به همراه دارد. یکی از شهود متهم را مردی با موهای سیاه توصیف می کند، در حالیکه دیگری او را مردی با موهای سیاه و سفید می خواند و دیگری او را سر کل مینامد . خانم هیمسکرک در دادگاه (محکمه) گفت: "ما اینهمه را به شما واگذار می کنیم. اگر اظهارات یکی از شاهدان را معتبر میدانید، به این معنی است که به شهادت شهود دیگر اعتبار کمتر قایل هستید. چه سبب میشود که یکی را نسبت به دیگری معتبرتر می دانید؟ همچنان بر اساس اظهارات شهود نمیتوان تعیین کرد که چگونه این همه به وقوع پیوسته است. "اینکه این دفاعیه برای متهم چه دستاوردی خواهد داشت، به تاریخ چهاردهم اپریل مشخص خواهد شد. دادگاه به دلیل "پیچیدگی دوسیه" به تاریخ متذکره ابلاغ حکم مینماید. این روند (جریان) که برای قربانیان بسیار دشوار است، اما باعث تسکین خاطر ایشان نیز شده است. یکی از قربانیان میگوید: "حداقل او محاکمه می شود."

---

استقلال – خپلواکی: اگر این مجرم جنگی که نام اصلی او " عبدالرزاق عریف" است، و خودش میگوید که مریض است و چیزی را به خاطر نمی آورد، پس چگونه بخاطر دارد که او فرد مورد نظر نیست و قوماندان زندان پلچرخ نبوده است، از سوی دیگر وکلای او با صراحت ابراز داشته

اند که او قوماندان باصلاحیت زندان پلچرخی بوده است، اما فقط دستورات را اجرا میکرده است و این خود تناقضات قابل تأمل را در بر دارد که اثبات میکند در هر حال یک مجرم و یک جنایتکار جنگی است و...

خلاف نظر وکیل، شاهدان در مورد ظلم و شکنجه و توهین و تحقیر و اعدام های خودسرانه و...، همه اتفاق نظر دارند، شکا و قیافه ظاهری با مرور بیشتر از چهل سال، بدون شک که تغییر میکند، اما همین وکلای عبدالرزاق عریف، خود اعتراف میکنند که همین فرد مورد نظر، همان رزاق عریف است و همان مسؤلیت ها را در زندان داشته است و همین خود کافی است که او تا اخیر عمر نکبت بار خود در زندان به سر برد.